



دین ایران در دوره اشکانیان

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۴

داریوش نظری^۸



چکیده

سلسله اشکانیان که پس از حمله اسکندر و سلوکیان در ایران به قدرت رسیدند گروهی از سکا‌های شرقی بوده که پیش از ورود به ایران دارای دینی ابتدایی شامل پرستش عناصر طبیعی، خورشید، ماه، ستارگان و هم چنین ستایش نیاکان می‌شد. آنها با آمدن به ایران وارد فضای جدیدی شدند که اقوام مختلفی با اعتقادات مجزا در آن زندگی می‌کردند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی بر آن است تا با استفاده از اطلاعات موجود به این پرسش پاسخ دهد که دین اشکانیان پس از ورود به ایران چه تغییری کرد و اشکانیان چه سیاستی در قبال دیگر ادیان در پیش گرفتند؟ آنها پس از اینکه وارد ایران شدند و در جوار دیگر ایرانیان قرار گرفتند با معتقدات زرتشتی و ادیان غیرایرانی موجود در ایران نیز آشنا شدند. اسناد و منابع موجود بیانگر آن است که آنها معروفترین ایزدان زرتشتی مانند اهورامزدا، آناهیتا، آتش و ایزد مهر را ستایش می‌کردند. بنابراین یکی از ادیان رایج در عهد اشکانیان دین زرتشتی بوده است. همچنین در این دوره شاهد ترکیب ادیان و مذاهب مختلف در قلمرو اشکانیان هستیم. با توجه به سیاست تساهل مذهبی، نبود دین رسمی در شاهنشاهی اشکانی و حضور اقوام و ادیان مختلف در قلمرو اشکانیان، در این دوره ادبانی همانند یهود، مسیحیت، بودایی و مندایی نیز در ایران مجال گسترش پیدا کرده و صاحب پیروانی شدند.

کلید واژه ها: اشکانیان، مهرپرستی، زرتشتی، مسیحیت، یهود، بودایی.



اشکانیان گروهی از سکاهاى شرقی بودند که به نام پرنی (آپرنه) مشهور بودند (استرابو، کتاب ۱۱، بخش ۹، بند ۲-۳). آنها یکی از قبيله های مهم اتحادیه‌های داهه (داهی، دهستان)، و ساکن دشت میان گرگان و کرانه‌های تجن جنوبی در پارت شمالی بودند (رجبی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۲).

از داهه‌ها نخستین بار در سنگ نبشته‌ی خشایارشا در تخت جمشید به عنوان یکی از سرزمین‌های قلمرو هخامنشیان نام برده شده است (سنگ نبشته‌ی خشایارشا در تخت جمشید (xph)، بند ۳، سطر ۲۶). پرنی‌ها سرانجام حدود ۲۵۰ ق.م با برگزیدن ارشک (اشک) یکم به فرمانروایی خود و اعلام استقلال در گوشه‌ی شمال شرقی ایران و شورش در مقابل حکومت سلوکیه، بنیان‌گذار درازمدت‌ترین شاهنشاهی ایرانی در تاریخ این مرز و بوم شدند و از آن پس به نام اشکانیان شناخته می‌شوند. آنها را به این سبب اشکانیان می‌نامیدند که مؤسس و همه پادشاهان بعد از وی خود را ارشک یا اشک می‌نامیدند. پارتها سوارکارانی بودند که خوشبختی بزرگ آنان، بنا به نوشته‌های مورخان قدیم، مرگ در میدان جنگ بوده و مرگ طبیعی را مرگی شوم می‌شمردند (مشکور، ۱۳۶۳: ۳۳۲).

حدود جغرافیایی دولت اشکانی به طور دقیق معلوم نیست، پایتخت اشکانیان نخست شهر نساء در نزدیکی عشق‌آباد امروز بود و پس از آن شهر صدروازه (دامغان کنونی) به پایتختی انتخاب شد و در نهایت پایتخت آنان به تیسفون منتقل شد. عده شاهان این سلسله محققاً معلوم نیست و تاریخ سلطنت بعضی از آنها جعلی و مجهول است یا این که تقریبی مشخص شده است، به این دلیل که سکه‌های پادشاهان اولیه اشکانی تاریخ ندارد. به طور کلی تاریخ عهد اشکانیان کاملاً روشن نیست. آنها از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی حکومت کردند و در نهایت این سلسله توسط اردشیر، بابکان بنیانگذار سلسله ساسانیان، منقرض گردید.

اشکانیان در دوره‌ای از تاریخ زندگی می‌کردند که دوره بروز ادیان و مذاهب الهی و فلسفی متعددی بود و با توجه به این که سرزمین اشکانیان مابین شرق و غرب واقع شده بود، ایران محل گذر ادیان مختلف نیز بود. همین ویژگی باعث شده بود تا تفکرات دینی دوره اشکانیان بسیار متنوع باشد. بنابراین در بررسی دین اشکانیان آنچه بیش از همه اهمیت دارد پرداختن به ادیان مختلف حاضر در قلمرو اشکانیان و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر است.

۱. دین اشکانیان پیش از آمدن به ایران

آگاهی‌های ما در مورد دین اشکانیان پیش از ورود به ایران بسیار کم است. خاندان اشکانی با توجه به این که از بیرون مرزهای ایران وارد خاک ایران شده بودند و شاهنشاهی اشکانی را تشکیل دادند، می‌بایست معتقدات ابتدایی پرستش عناصر طبیعی و احتمالاً در مرحله اول پرستش خورشید و ماه را همراه خود آورده باشند (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۲۱۳-۲۱۰). به احتمال زیاد اشکانیان پیش از این که به ایران بیایند و زمانی که با سکاها معاشر و هم‌جواری بودند، همانند سایر آریایی‌ها خورشید، ماه، ستارگان و دیگر مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند. اشکانیان اجدادشان را نیز می‌پرستیدند، صورت یا هیکل آنها را ساخته و در خانه‌های خود نگهداری می‌کردند و در زمان مسافرت آنها را همراه با



خود می‌بردند (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۲۳۴۸/۳). از ستایش نیاکان توسط اشکانیان در شهر آساک خبر داریم (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۲۲) و می‌دانیم که اشکانیان در دوران بعد نیز به بنیانگذاران شاهنشاهی اشکانی، یعنی اشک‌های نخستین، نماز می‌بردند و آنها را ستایش می‌کردند (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۰۴)، که همین بازمانده ستایش نیاکان در میان آنها بوده است.

۲. ستایش ایزدان باستانی ایران در دوره اشکانیان

نام‌هایی چون تیرداد، مهرداد، اردوان و امثال آن در نزد اشکانیان حکایت از ارتباط این قوم با خدایان باستانی ایران‌ویج دارد، مراسم و آداب دینی و سرودها و قربانی‌ها هم ظاهراً هم چنان مثل آنچه در نزد ایرانیان شرقی و غربی رایج بود تحت نظر کاهنان که از دوران ماد و هخامنشی به نام مغان شناخته می‌شدند، انجام می‌شد و آداب مربوط به تطهیر و اجتناب از آلودن عناصر مقدس همچنان در میان آنها رعایت می‌شد. آنها تشریفات مربوط به قربانی و دعا و آداب و رسوم باستانی را کم و بیش رعایت می‌کردند (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۳۸۵-۳۸۴/۱). اشکانیان در اسناد خود نیز از نام‌های ایزدان باستانی ایران استفاده کرده‌اند (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۱۱). معروفترین ایزدان باستانی که در دوره اشکانی مورد ستایش بودند ایزدبانو آناهیتا، آتش و ایزد مهر بودند.

۱-۲. ایزدبانو آناهیتا و ستایش عنصر مقدس آب

ایزدبانو آناهیتا ایزد آب‌های روان و حاصلخیزی در ایران باستان بود. اشکانیان نیز همانند سایر ایرانیان عنصر آب را مقدس دانسته و آب و رودخانه‌ها را ستایش می‌کردند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۲۲) و از مسافرت‌های دریایی پرهیز می‌کردند، زیرا می‌ترسیدند عنصر مقدس آب را آلوده کنند. برای نمونه تیرداد، برادر بلاش یکم اشکانی، که در سال ۶۶م به پادشاهی ارمنستان انتخاب شد و می‌بایست تاج پادشاهی ارمنستان را از نرون، امپراتور روم، دریافت کند، سفر طولانی خود به رم را از طریق خشکی انجام داد (کالج، ۱۳۷۴: ۹۰). تیرداد سوم نیز برای پیروزی بر رقیب خود، اردوان سوم، اسبی را برای رود فرات قربانی کرد (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۰۸). هم چنان که می‌دانیم نام تعدادی از پادشاهان اشکانی با نام ایزد تیر (تیشتر) ترکیب شده است. تیر ایزد آب بوده و در اوستا نیز یک پشت به مام او سروده شده است. وجود نام او در نام پادشاهان اشکانی نشان از جایگاه بالای این ایزد در دوره اشکانیان دارد.

۲-۲. ستایش آتش

در دوره اشکانیان نیز همانند دوران پیش و پس از آن آتشکده‌هایی وجود داشته و آتش مورد احترام و یکی از عناصر مقدس دوره اشکانی به حساب می‌آمده است. بسیاری از مورخان قدیم از اهمیت پرستش آتش و نشان اهورامزدا در میان اشکانیان یاد می‌کنند. در شهر آساک به گفته ایزیدور آتش جاویدان را نگهداری می‌کردند. سر اورل اشتاین بسیاری از سکه‌های اشکانی و ساسانی را بر فراز کوه میدان



نفتون در معادن نفت ایران یافته است. در اینجا زبانه‌های آتش که از منابع لایزال گازهای طبیعی بالا می‌رفت بی‌گمان زائران را به سوی خود می‌کشید (کالج، ۱۳۷۴: ۸۹). نخستین شه‌ریاران اشکانی گویا در مقابل آتش جاودانه‌ی مشتعل موجود در شهر آساک تاجگذاری می‌کردند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۲۲). سکه‌های بلاش یکم نیز به آتشکده و آتشدان مزین هستند (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۰۹). آتش نه تنها در آتشکده‌های اشکانی و دیگر پرستشگاه‌ها مقام ویژه و والایی داشت، بلکه در میان خانواده‌ها نهایت کوشش می‌شد که از خاموش شدن آتش جلوگیری شود (همان: ۳۱۰).

۳-۲. ایزد مهر و مهرپرستی در دوره اشکانیان

شاید نخستین بار در سده چهاردهم پیش از میلاد بود که در کتیبه‌های میخی کاپادوکیه از خدای مهر نام برده شد. پس از آن و در دوره اردشیر دوم هخامنشی نیز نام خدای مهر در کنار اهورامزدا و ایزدبانو آناهیتا در کتیبه‌ها ذکر می‌شود. در سده اول پیش از میلاد در اثر سفرهای جنگی پومپه به مشرق، آیین مهر در اروپا گسترش یافت. این آیین در میان سربازان و عامه مردم پیروان زیادی یافت و تا روزگار قسطنطنین رقیبی جدی برای مسیحیت بود (هوار، ۱۳۶۳: ۱۱۲). بزرگترین خدایان اشکانیان آفتاب و ماه بودند. آنها آفتاب را مهر می‌نامیدند و هنگام طلوع خورشید آن را ستایش می‌کردند، در معابدشان برای او قربانی‌ها می‌کردند و نذر و نیازها می‌دادند و تندیس‌هایی برای او ساخته آن را همراه با ماه نماینده روشنائی می‌دانستند. خدای آفتاب حامی خانواده سلطنت و هیکل‌های اجدادی بود (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۲۶۸۸/۳). در میان پادشاهان اشکانی مرسوم بود که به خورشید سوگند می‌خوردند (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۰۹).

اساس اندیشه‌ی دین ایرانی که ثنویت و وظیفه‌ی آدمی و جامعیت خدا و داوری بازپسین و وجود بهشت، همه در اندیشه‌های آسیای غربی رایج شد و روایات شرقی در آمیخته با افکار فلسفی یونانی هم مزید گشت. این نفوذها در پدید آوردن بسیاری مکتب‌های فلسفی و جنبش‌های دینی با هم مرتبط و از جمله عرفان و آیین ناجی و رهایی بخش مؤثر واقع شد. از آن گونه مزدپرستی که در آسیای صغیر پیدا شده بود مهرپرستی مشتق شد و آیین عرفانی خدای میترا که همان خدای خورشید باشد، ریشه گرفت. این آیین در امپراتوری روم رایج شد، به ویژه در میان سپاهیان و محافل بازرگانی. مهرپرستی اندیشه‌های کهن ایرانی از جمله روح نیکی و بدی همچون برادران هم شکم یا دو برادر توأم همانا پسران زروان، زمان بی کران، را اخذ کرد (کالج، ۱۳۷۴: ۸۹-۹۰). هم چنان که می‌دانیم نام تعدادی از پادشاهان اشکانی با نام ایزد مهر ترکیب شده و همین بیانگر اهمیت ایزد مهر در میان خاندان اشکانی بوده است.

۳. دین زرتشتی در دوره اشکانیان

می‌دانیم که اشکانیان اهل تساهل مذهبی بوده و در شاهنشاهی خود دین رسمی نداشته‌اند. با توجه به گوناگونی مردمان و اقوام تحت سلطه آنها شاید بهترین شیوه اداره شاهنشاهی نیز همین بوده است.



در عهد تسلط اشکانیان شاید دین زرتشتی نسبت به دوران پیش تقویت شد. به احتمال زیاد در زمان بلاش یکم قوانین دینی زرتشت گردآوری شد. توجهی که از طرف برخی از پادشاهان اشکانی به آیین زرتشتی می‌شد سبب از نو زنده شدن و رواج کیش مزدایی شد. ولی نباید پنداشت که همه مردم ایران در آن عهد زرتشتی بوده‌اند. با اینکه دین زرتشت مورد احترام و بزرگداشت بسیاری از مردم بود ولی آنها به همه قوانین و دستورهای آن اعتقاد نداشتند و اصولاً آیین زرتشتی در دوران حکومت اشکانیان حاکم بر جامعه بوده است.

ژوستین آشکارا می‌گوید که اشکانیان پیکر مردگان را معمولاً در هوای باز می‌گذارند تا طعمه‌ی مرغان و سگان شود، آن گاه استخوان‌های عاری از گوشت را به زیر خاک می‌کنند. استرابون می‌گوید که این سگان را «گورساز» می‌گفتند (کالج، ۱۳۷۴: ۹۰). ولی اسناد و مدارک تاریخی و باستان‌شناسی برای ما حکایت می‌کنند که مردم آن دوران مردگان خویش را به خاک می‌سپردند، در صورتی که اگر زرتشتی بودند مطابق قوانین زرتشتی به هیچ وجه نباید مردگان خود را در خاک مدفون می‌کردند، بلکه باید گوشت آنها را خوراک پرندگان لاشخور می‌کردند. ظاهراً گفته ژوستین و استرابون فقط در مورد برخی از مردم دوره اشکانیان است نه همه آنها و این امر بخوبی ثابت می‌کند که دین زرتشتی فقط مورد احترام بوده و حاکمیت نداشته است، حتی خود پادشاهان اشکانی زرتشتی نبوده‌اند و اگر به این دین محبت می‌ورزیدند بخاطر جلب حمایت مردمی بود که از تسلط سلوکیان و رواج فرهنگ یونانی ناراضی بودند. عکس‌العمل فرهنگی اشکانیان در برابر فشار فرهنگ هلنی آن بود که دین زرتشتی را تا حدودی نیرومند کنند. این رسم اشکانیان که ازدواج میان خویشان نزدیک (برادران و خواهران) را معمول می‌دانستند نمی‌تواند دلیل زرتشتیگری پارتیان شمرده شود، چنانکه می‌دانیم این رسم در میان اقوام بسیار دیگری که با زرتشتی‌گری ارتباطی نداشتند نیز رایج بوده است (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۲۰). البته بعضی از عناصر دین زرتشتی مورد احترام اینان بوده‌اند و کسانی که طرفدار فرضیه انتساب پارتیان به دین زرتشت هستند به قول تاسیتوس استدلال می‌کنند که تیرداد پادشاه ارمنستان و برادر بلاش یکم هنگامی که به روم عزیمت می‌کرد برای اینکه تاج خود را از دست نرون بگیرد از مسافرت دریایی صرف نظر کرد تا مبادا آب که عنصری مقدس است آلوده شود، غافل از این که آب در همه ازمه نزد ایرانیان مقدس بوده است (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۳۱۸).

اینکه گفته‌اند بلاش اول اقدام به گردآوری کتاب اوستا نموده است، اگر هم صحت داشته باشد، نشان دهنده سعی او در رسمی کردن دین زرتشت نمی‌تواند باشد، اما این نکته و این که اولین بار در دوران بلاش اول خط پهلوی در سکه‌های اشکانیان ظهور پیدا کرد بیانگر علاقه وی به فرهنگ و آیین زرتشتی است (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۳۸۴/۱). خیلی از محققین تاریخ گردآوری اوستا توسط بلاش را نقل و تایید نموده‌اند (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۲۰۳؛ گیرشمن، ۱۳۶۸: ۳۰۳). البته نشانه‌های دیگری از علاقه بلاش یکم به سنت زرتشتی وجود دارد از جمله اینکه در پشت مسکوکات وی نقش آتشیگاهی با تصویر یک روحانی قربانی کننده دیده می‌شود (همانجا).

آنچه مسلم است این که یکی از ادیان رایج در عهد اشکانیان دین زرتشتی بوده، که البته اشکانیان پس از آن که به ایران آمدند و با سایر اقوام ایرانی درآمیختند با این دین زرتشت آشنا شدند و به ستایش اهورامزدا پرداختند و اهریمن را دشمن می‌دانستند و آتش را مقدس می‌شمردند و طبقه مغان در دولت اشکانیان طرف احترام و صاحب نفوذ بودند (ترابی، ۱۳۵۱: ۵۵).



اگر چه یکی از پرستش‌های رایج در عهد پارتیان پرستش دین زرتشتی بوده است ولی نمی‌توان پذیرفت که در این زمان آیین راستین زرتشتی وجود داشته است، اما می‌توان گفت که همانندی کلی میان روش‌های پرستش در ایران آن زمان وجود داشته که باید آن را آیین مزدیسنا خواند (فرای، ۱۳۶۸: ۳۲). دلیلی دیگر بر اینکه بلاش اول اقدام به گردآوری اوستا نموده است، اگر چه معلوم نیست نتیجه گرفته باشد یا نه، شاید به این خاطر بوده است که از این طریق می‌خواست از مردم دلجوئی کرده باشد چون بلاش به نارضایتی مردم آن عصر به خاطر فراموش شدن دین و کتاب زرتشتی پی برده بود. در هر حال پادشاهان پارت زرتشتی واقعی نبوده‌اند همان طور که توده مردم ایران هم از آیین زرتشت پیروی نمی‌کردند، وجود مذهب زرتشت و همچنین وجود مغ‌ها دلیل سرایت مذهب زرتشتی به عنوان یک آیین رسمی دولتی نیست (بیات، ۱۳۷۰: ۵۹؛ بیات، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

۱-۳. روحانیان و تشکیلات دستگاه دینی در دوره اشکانیان

درباره تشکیلات دستگاه دینی در دوره اشکانیان آگاهی چندانی نداریم و درباره رابطه و پیوند دستگاه دینی با دولت در آن ایام نیز چیز زیادی نمی‌دانیم، شواهد غیرمستقیم که عمدتاً از منابع یهود و مسیحی به دست می‌آیند به مدارای اشکانیان با دیگر ادیان اشاره دارند که احتمالاً ادامه سنت هخامنشیان در این زمینه بوده است (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۵۴). می‌دانیم که مغ‌ها روحانیان دوره اشکانی بودند، و به احتمال زیاد اجرای مراسم مذهبی و انجام قربانی‌ها در حضور آنها انجام می‌شد. از نفوذ مغ‌ها در امور مملکتی به واسطه مجمع مغ‌ها (مغستان) هم اخباری وجود دارد، ولی با توجه به تساهل مذهبی اشکانیان نفوذ آنها نباید خیلی زیاد بوده باشد. شغل مغ‌ها منحصر به امور مذهبی نبود و بسیاری از آنها شغل طبابت، معلمی، منجمی و سالنامه‌نگاری را نیز عهده‌دار بودند (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۲۳۴۹/۳).

۴. آثار و بناهای مذهبی دوره اشکانیان

مدارک باستان‌شناسی، یعنی آثار و بناهای آیینی حفاری شده که بتوان به طور قطعی آنها را به دوره‌ی اشکانیان نسبت داد بسیار کمیاب هستند. در حال حاضر پنج بنا را در ایران می‌شناسیم که به طور قطعی مربوط به دوره‌ی اشکانیان هستند: بردنشانده و مسجد سلیمان در خوزستان، کنگاور در کرمانشاه، ری در نزدیکی تهران و کوه خواجه در سیستان. اما اینها هیچ سرنخی را در مورد هر یک از آیین‌هایی که در آنها اعمال می‌شد به دست نمی‌هند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در سفال نوشته‌های نسا با نام‌های زیادی برخورد می‌کنیم که ظاهراً زرتشتی هستند. از دیگر سو مدارک روشنی را از نیمه‌ی غربی شاهنشاهی اشکانی در اختیار داریم که وجود آیین‌های مختلف سامی و هلنیستی را ثابت می‌کند (همان: ۱۲۲).

۵. التقاط دینی در دوره اشکانیان

با توجه به زمان ظهور اشکانیان و وجود ادیان مختلف در قلمرو آنها، و همچنین ادیانی که در



سرزمین‌های همسایه وجود داشت، در این دوره شاهد ترکیب ادیان و مذاهب مختلف در قلمرو اشکانیان هستیم. بر روی سکه‌های اشکانیان نقش بسیاری از خدایان یونانی مانند «پوکتوری» و «تیخه» و زئوس و آرتیمیس و مانند آن ضرب شده است (کالج، ۱۳۵۷: ۹۲).

مهرداد اول ششمین پادشاه اشکانیان برای ابراز حسن نیت به یونانیان بر روی سکه‌ها، خویش را دوستدار یونانی معرفی کرد (صدیق، ۱۳۳۶: ۳۷).

در زمان اشکانیان خدایان یونانی و رومی و حتی سامی در میان خدایان پارتی ایرانی ظاهر شدند، برخی از این خدایان ایرانی و یونانی که با هم شباهت داشتند در نظر مردم به صورت خدای واحدی درآمدند، مردم این خداها را حقیقت یگانه‌ای تصور می‌کردند که به دو اسم نامیده می‌شدند، مثلاً ایزد مهر که یکی از خدایان کهن ایرانی بود با آپولون خدای یونانی شباهت بسیار داشت. این دو خدا در اثر شباهت بسیار زیادی که با هم داشتند به تدریج در اعتقادات مردم با هم درآمیختند و یکی شدند (شایان، ۱۳۵۱: ۱۸۹). در میان فرشتگان و خدایان بیگانه، به ویژه از زئوس، هرا، آتنا و برخی از ایزدان و فرشتگان سامی در میان اشکانیان نام برده شده است، با وجود اینکه پارت‌ها موجب از میان رفتن حکومت سلوکیان در ایران شدند، ولی تمدن هلنی سلوکیان تا اندازه‌ای به ویژه از سوی عده‌ای از شاهنشاهان اشکانی مورد اقتباس قرار گرفت.

فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی در ضرب سکه‌های خود فرمان داده بود که بر یک روی سکه نقش خود او و بر روی دیگر آن تصویری از أمفالوس (Omphalos) خدای مشترک روم و یونان را ضرب کنند. بر روی سکه‌های مهرداد یکم نقش «زئوس اتوفوروس» (Aetophoros) به گونه‌ای که بر روی سکه‌های نقره‌ای اسکندر نقش بسته بود، وجود داشت. گاهی نیز نقش هرکول که سلوکیان خود را فرزند او می‌دانستند بر روی سکه‌های مهرداد یکم وجود دارد. فرهاد چهارم نیز گاهی بر روی سکه‌های خود «پالاس»، خدای دانش و خرد و نگهبان آتن، آپولو و نقوش خدایان رومی را ضرب می‌کرد (خدادادیان، ۲۵۳۷: ۳۰۷-۳۰۶). به نظر می‌رسد علت این که اشکانیان صورت یا نشان خدایان یونانی و رومی را بر روی سکه‌های خود حک می‌کرده‌اند این بوده که شهرهای یونانی زیادی در ایران بنا شده بود و آنها می‌خواستند بدین طریق از اتباع یونانی و رومی خود دلجویی کنند.

۶. آیین زروان در عهد اشکانیان

معتقدان به این کیش بر این باور بودند که اهورامزدا و اهریمن از نظر قدرت و توانایی یکسان هستند، به اعتقاد آنها این دو فرزندان خدای ازلی و ابدی هستند که زمان بی‌کران است و زروان نام دارد. این دین در ایران پیروان بسیاری داشت (شایان، ۱۳۵۱: ۱۹۰).

آیین زروان در دوره اشکانی بیشتر از پیش به ویژه در نواحی غربی ایران گسترش یافت. در واقع در این که زروان از خیلی قدیم در نواحی غربی ایران به عنوان پروردگار بزرگ نیایش شده شکی نیست. به احتمال زیاد تأثیر محیط یونان دوستی سلوکی و اشکانی، برخی عناصر بابلی و یونانی را به تدریج در این آیین قابل جذب ساخته بود (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۳۸۶/۱). این نکته که مانی در اوایل دوره ساسانی وقتی دین خود را عرضه کرد، خدای بزرگ خود را زروان نامید بیانگر آن است که در اواخر دوره اشکانی این خدا و آیین مربوط به او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در میان ایرانیان رواج داشته است (همان: ۳۸۷/۱).



۷. مسیحیت در دوره اشکانیان

حضرت عیسی (ع) در زمان سلطنت فرهاد پنجم اشکانی به دنیا آمد. در مورد زمانی که دین نصارا وارد کشور پارت شد، اطلاعات ما بسیار ناچیز است. در قرن اول میلادی دین مسیح در سوریه و آسیای صغیر منتشر شده بود. در حدود سال ۱۰۰ میلادی جماعتی از مسیحیان در شرق دجله یعنی ناحیه اربیل مسکن داشتند ولی از انتشار این شریعت در نواحی شرقی اطلاعات صحیحی در دست نداریم. «توماس مقدس» در کشور پارت به دعوت پرداخت و مطابق مندرجات کتاب مجعول «اعمال توماس» تا سرزمین هندوستان هم پیش رفته است ولی این کتاب را نمی‌توان از اسناد معتبر تاریخی شناخت. بعد از اربیل، شهر کرکوک که آن را «کرخای بیت سلوخ» می‌خوانده‌اند، ظاهراً مرکز و ملجاء عیسویان در شرق بوده است (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۵۵-۵۴). در اواخر عهد اشکانیان تعلیمات دینی مسیحیت اندک اندک در شاهنشاهی پارت رواج یافت (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۲۱).

آن چه که مسلم و مشخص است این که اشکانیان به مذهب مسیحی و سایر مذاهب با نظر اغماض می‌نگریستند و این اغماض به اندازه‌ای بود که از سرایت مذاهب خارجی به ایران جلوگیری نمی‌کرد (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۲۷۱). پادشاهان اشکانی با مبشران مسیحی ضدیت و جفا نمی‌کردند و به آنها آزادی عمل می‌دادند، از این رو بعضی از مسیحیانی که در امپراطوری روم جفا می‌دیدند می‌گریختند و به ایران پناه می‌آوردند. پس از آن مدارس مسیحی در کلیساها تأسیس شد، از آن میان باید مدارس را نام برد که «مارماری» در کلیسای مدائن و در دیر «فنی» تأسیس کرد و در آنها علم لاهوت و معارف دین مسیحی آموخته می‌شد. در این مدارس علوم دینی را به زبان سریانی تدریس می‌کردند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵-۲۰).

۸. دین یهود در دوره اشکانیان

از روزگاری که «نبوکد نصر» یهود را به بابل راند پیوسته در آن بخش بارور شدند و بر رونق زندگی خویش افزودند، اینان اشکانیان را سر به راه و به کیش خویش مایل می‌دیدند (کالج، ۱۳۵۷: ۹۵). جماعات یهودی از اشکانیان امتیازات و اختیارات محلی بالنسبه زیادی را کسب کردند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۲۱). اغماض اشکانیان، مخصوصاً در روابط آنها با قوم یهود کاملاً آشکار است. یهودیان شاهان ایرانی مزبور را مدافعان حقیقی دین خود می‌دانستند و چون از طرف سلوکیان و رومیان مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند معتقد بودند ایران که همواره نسبت به آنان حُسن نظر داشت، تنها قدرتی است که ممکن است ایشان را از یوغ خارجی‌ها نجات بخشد، همان گونه که در زمان هخامنشیان این امر تحقق یافته بود. در زمان پارتیان مذهب یهود در بابل توسعه بسیار یافت و در سال ۲۰ پیش از میلاد دولت کوچکی از یهودیان دست نشانده در سواحل فرات ایجاد شد و مدت ۲۰ سال دوام داشت (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۳۰۳).

اشکانیان نسبت به قوم یهود رئوف بودند و البته از آنها بر ضد رومی‌ها حمایت می‌کردند، چنانکه در سال ۴۰ میلادی یهودیان موفق شدند که «هرود» تحت‌الحمایه رومی‌ها را از فلسطین بیرون کرده و پادشاهی ملی خود را برقرار کنند و «ماتائیا» به کمک پارتی‌ها به تخت نشست، نام خود را به آنتیگون تبدیل کرد. آنها اشکانیان را جانشین کوروش بزرگ دانسته و همواره چشم خود را به طرف دربار ایران



دوخته و از آنها منتظر کمک بودند (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۲۷۱).

۹. دین بودا در زمان اشکانیان

یکی از عوامل گسترش دین بودائی در قلمرو اشکانیان، وجود دولت بودائی کوشانی‌ها در مشرق ایران بود. در اصل از زمان چاندراگوپتا، پادشاه هند که از خاندان «مائوریا» بود دین بودا در مشرق ایران رواج یافت. در زمان آشوکا، پادشاه معروف سرزمین کوشان که یک بودایی مشهور بود بسیاری از مردم خراسان و ماورالنهر به کیش بودایی درآمدند. پس از او باید از کانیشکا دیگر پادشاه معروف بودایی کوشان نام برد که پایتخت وی در شهر پیشاور بود. در زمان او زیارتگاه‌ها و معابد بودایی در بلخ رو به فزونی نهاد که یکی از آنها معبد معروف نوبهار (نوهاره) به معنی دیر نو است (باستانی پاریزی و دیگران، ۱۳۵۶: ۱۵/۱). حتی گفته شده که برخی از شاهزادگان اشکانی نیز به این دین گرویده و به تبلیغ و انتشار آن همت گماشته‌اند و چون مردمان سرزمین پهناور چین پیرو آیین‌های کنفوسیوس و تائو بودند و در مورد مذهب هم سهل‌انگاری و در عین حال آزادمندی داشتند، امکان پیشرفت سریع مذهب بودا در آن کشور بعید بنظر نمی‌رسید. از این رو طبق نوشته منابع چینی، در اواسط سده دوم میلادی یکی از شاهزادگان اشکانی به نام اشک که پیرو آیین بودا بود به شهر «لوه یانگ» پایتخت سلسله‌های شرقی مسافرت کرد و در آن جا ماندگار شد، وی بیست سال در آن کشور اقامت نمود و چون به زبان چینی تسلط کافی پیدا کرده بود شروع به ترجمه متون دینی بودایی کرده بود، چون این ترجمه‌ها به زبان ساده و مردم‌پسند بودند، با استقبال عموم مواجه شدند. پس از او نیز افراد دیگری برای تبلیغ آموزه‌های بودایی به چین سفر کردند که نام آنها در منابع چینی محفوظ است.

لازم به تذکر است که چینی‌ها به بودا (فو) می‌گفتند و تلاش مبلغان بودائی ایرانی و هندی سرانجام سبب شد که میلیون‌ها چینی به آیین مذکور درآیند و خود به تبلیغ و اشاعه آن در سایر نواحی اطراف چین بپردازند. مبلغان و هم‌چنین زائران بودائی ایران و چین معمولاً از جاده معروف ابریشم که هم‌راه تجارتهای و هم‌راه زیارتی بود می‌گذشتند و آن‌گاه از یکی از شاخه‌های فرعی آن گذشته و به هند می‌رفتند و پس از زیارت زادگاه بودا به موطن خویش مراجعت کردند. زائران بودائی چین گه‌گاه برای زیارت معابد و پرستشگاه‌های بودا از قندهار «مگارا» صدها فرسنگ راه را طی کرده و برای وصول به مقصود خطرات سفر را بر خود هموار می‌ساختند (آذری، ۱۳۶۷: ۲۸-۲۹).

نتیجه‌گیری

اشکانیان در دوره‌ای از تاریخ زندگی می‌کردند که دوره ظهور ادیان و مذاهب متعددی بود و با توجه به این که سرزمین اشکانیان مابین شرق و غرب واقع شده بود، ایران محل گذر ادیان مختلف نیز بود. همین ویژگی باعث شده بود تا تفکرات دینی دوره اشکانیان بسیار متنوع باشد. خاندان اشکانی با توجه به این که از بیرون مرزها وارد خاک ایران شده بودند و شاهنشاهی اشکانی را تشکیل دادند، دارای معتقدات ابتدایی مثل پرستش عناصر طبیعی، پرستش خورشید و ماه و ستارگان و هم‌چنین پرستش نیاکان بودند.

معروف‌ترین ایزدان باستانی که در دوره اشکانی مورد ستایش بودند ایزدانو آناهیتا، آتش و ایزد مهر



بودند. آیین زروانی نیز در میان مردم دوره اشکانی دارای نفوذ بوده است. با اینکه دین زرتشت مورد احترام و بزرگداشت بسیاری از مردم و حتی برخی از پادشاهان اشکانی بود، ولی آنها به همه قوانین و دستورهای آن اعتقاد نداشتند. با این حال یکی از ادیان رایج در عهد اشکانیان دین زرتشتی بوده، که اشکانیان پس از ورود به ایران و همنشینی با سایر اقوام ایرانی با این دین آشنا شدند. با توجه به زمان ظهور اشکانیان و وجود ادیان مختلف در قلمرو آنها، و همچنین ادیانی که در سرزمین‌های همسایه وجود داشت، در این دوره شاهد ترکیب ادیان و مذاهب مختلف در قلمرو اشکانیان نیز هستیم. در این زمان خدایان یونانی، رومی و حتی سامی نیز در میان خدایان ایرانی ظاهر شدند و با توجه به شباهتی که خدایان غیر ایرانی با خدایان ایرانی داشتند، در نظر مردم به صورت خدای واحدی درآمدند و مردم این خداها را حقیقت یگانه‌ای تصور می‌کردند که به دو اسم نامیده می‌شدند.

با توجه به سیاست تساهل مذهبی، نبود دین رسمی در شاهنشاهی اشکانی و حضور اقوام و ادیان مختلف در قلمرو و همسایگی اشکانیان، در این دوره ادیانی همانند دین یهود، مسیحیت، دین بودایی و فرقه‌های گنوستیک مانند دین مندایی در ایران مجال گسترش پیدا کرده و صاحب پیروانی شدند.

منابع و مآخذ

- آذری، علاءالدین (۱۳۶۷)، تاریخ روابط ایران و چین، تهران: امیرکبیر.
- بیات، عزیزالله (۱۳۷۰)، کلیات تاریخ ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی.
- _____ (۱۳۶۸)، کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن، (۱۳۸۱)، تاریخ ایران باستان، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران: دنیای کتاب.
- پیگولوسکایا و دیگران (۱۳۵۳)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم، تهران: انتشارات پیام.
- ترابی، سید محمد (۱۳۵۱)، نگاهی به تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: ققنوس.
- دیاکونوف، م. م (۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- شارب، رالف نورمن (۱۳۸۴)، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، چاپ دوم، تهران: پازینه.
- شایان، فریدون (۱۳۵۱)، سیری در تاریخ ایران باستان، تهران: رز.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۹۰)، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ سوم، تهران: فرزانه روز.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۶)، تاریخ فرهنگ ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۸)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کالج، مالکوم (۱۳۵۷)، پارتیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات سحر.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۶۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- گوتمسید، آلفرد فن، (۱۳۵۶)، تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیاکاوس جهان‌داری، چاپ دوم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۶۸)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ هفتم، تهران: علمی و



فرهنگی.

- مشکور، محمد جواد، (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان، چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- نفیسی، سعید، (۱۳۸۳)، مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران: اساطیر.
- ولی، وهاب و میترا بصیری، (۱۳۷۹)، ادیان جهان باستان، جلد سوم (ایران)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هوار، کلمان، (۱۳۶۳)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- یارشاطر، احسان (۱۳۶۰)، «پیشگفتار»، در: جی. آ. بویل، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی